

## مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰)

پریسا پورعلی<sup>۱</sup>، محمدرضا دهشیری<sup>۲</sup>، محمدرضا قانلی<sup>۳</sup>، حسن خداوردی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

**چکیده:** هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه در عراق بعد از فروپاشی حکومت صدام حسین است. پرسش اصلی پژوهش این است که شاخصه‌های تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی کشورهای ایران و ترکیه در عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ مبتنی بر چه رویکردی بوده است؟ فرضیه این است که دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق پس از ۲۰۰۳ با رویکرد شیعی‌گری، محور مقاومت و ایران شهری در مقابل دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد ناسیونالیسم ترکی و نوع‌ثانی‌گری مطرح شده است. بر این مبنای هر کدام از این دولت‌ها سعی دارند با رویکرد قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی به اعمال نفوذ در عراق بپردازند. در این مسیر ایران و ترکیه از شرایط، فرصت‌ها، تهدیدها و ابزارهای متفاوتی برای پیشبرد دیپلماسی فرهنگی خود برخوردار می‌باشند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ایران به لحاظ شرایط، فرصت‌ها و ابزارها در موقعیت مناسب‌تری نسبت به ترکیه قرار گرفته است، ولی تمرکز بر شیعی‌گری و مبحث مقاومت در عراق، باعث توجه اندک به سایر شاخصه‌های دیپلماسی فرهنگی شده است. در مقابل ترکیه با رویکردی منفعت‌محور و فرصت‌طلبانه توانسته است با برنامه‌ریزی دقیق از ابزارهایی مانند زبان و ادبیات کردی، دیپلماسی رسانه‌ای، توسعه گردشگری، مباحث علمی و آموزشی و غیره نهایت استفاده را ببرد و نفوذ بیشتری در عراق به دست آورد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و گردآوری مطالب نیز به شیوه کتابخانه‌ای انجام یافته است.

**واژگان اصلی:** دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، عراق، ایران، ترکیه، نوع‌ثانی‌گرایی.

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

۲. استاد مدعو گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران (نویسنده مسئول)

mohammadreza\_dehshiri@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۴. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و پیامدهای آن، مهم‌ترین رخداد منطقه غرب آسیا از زمان پایان دوره جنگ سرد تا کنون بوده است. عراق در مقام اولین کشور عربی که در سال ۲۰۰۳ بدست آمریکا افتاد، طی زمانی کوتاه به کانونی برای برخوردهای منطقه‌ای میان بازیگرانی با منافع و رویکردهای متعارض تبدیل شد. ورود واشنگتن به منطقه و طرح خاورمیانه بزرگ، موجب نگرانی بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای، بویژه ایران و ترکیه شد. در ادامه تحولات عراق، دگردیسی در عرصه سیاست و حکمرانی عراق و شکل‌گیری حکومت جدید با نقش‌آفرینی ویژه شیعیان و کردها، بر خلاف رویه چند دهه گذشته که همواره اعراب سنی بر حکومت احاطه داشتند، آغاز دورانی جدید از همکاری، تعامل، تقابل و نفوذ بازیگران و قدرت‌های مختلف در این کشور بود. بدون تردید، در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ عراق به مهمترین همسایه ایران در عرصه سیاست خارجی تبدیل شد. از یک سو اهمیت این کشور از نظر امنیتی موجب شده که تهران همواره با نگاهی ویژه به کنش‌های دولت عراق نگاه کند و از سوی دیگر، عراق با دارا بودن اکثریت جمعیت شیعه و قرارگرفتن اماکن مذهبی شیعیان در آن، برای جمهوری اسلامی ایران در بعد فرهنگی و هویتی اهمیتی فوق‌العاده دارد. عراق بعد از ۲۰۰۳، افزون بر مؤلفه تأثیرگذار پیوستگی‌های فرهنگی، به کانونی برای افزایش عمق استراتژیک قدرت ایران در منطقه غرب آسیا تبدیل شد. به ویژه پس از آغاز بحران سوریه در سال‌های بعد از ۲۰۱۱، عراق به عنوان حلقه ارتباطی ایران با دمشق اهمیت بیشتری پیدا کرد.

بر خلاف ایران که از زمینه‌های مناسبی برای نفوذ و حضور در عراق جدید برخوردار بود، دولت ترکیه به شدت نسبت به ایجاد یک دولت کردی مستقل در شمال عراق که اصطلاحاً از آن به عنوان مأمنی برای آشوب در منطقه و فعالیت حزب کارگران کردستان یاد می‌کرد نگران بود. با وجود این نگرانی‌های اولیه، پس از قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه، آنکارا در چرخشی بزرگ تصمیم گرفت تا مسیر تجارت و بهره‌گیری از قدرت نرم را در مناسبات با حکومت اقلیم کردستان در پیش بگیرد. در مجموع، عراق در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ در مدار توجه دستگاه دیپلماسی ایران و ترکیه قرار گرفت و هر دو کشور در سطوح مختلف، عرصه‌هایی از مناسبات با بغداد و اربیل را آغاز کردند. در این میان یکی از حوزه‌هایی که دو کشور ایران و ترکیه برای افزایش نفوذ خود در عراق طی چند سال گذشته مورد توجه قرار داده‌اند، در حوزه قدرت نرم یا اصطلاحاً دیپلماسی فرهنگی بوده است. با این

وجود، چگونگی پیشبرد برنامه‌های دو کشور در حوزه دیپلماسی فرهنگی در عراق تاکنون کم‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. به همین منظور در پژوهش حاضر این مساله مهم بررسی می‌شود که شاخصه‌های تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی کشورهای ایران و ترکیه در عراق سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ مبتنی بر چه رویکردی بوده است؟ فرضیه این است که دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق پس از ۲۰۰۳ با رویکرد محور مقاومت و ایران شهری در مقابل دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد ناسیونالیسم ترکی و نوع‌ثانی‌گری مطرح شده است. پژوهش حاضر با نگاهی تطبیقی، و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این مسئله پرداخته است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.

### پیشینه پژوهش

احمد دوست‌محمدی و همکاران (۱۳۹۵)، کتاب «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی: جمهوری عراق»، را به رشته تحریر درآورده‌اند. این کتاب از معدود آثار منسجم و تألیفی در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی است که علاوه بر خوانش و فهم مؤلفه‌های شکل‌دهنده این دیپلماسی، به کاربرست عملیاتی از آن در عراق پرداخته است. محمد جعفر جوادی ارجمند و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق و چشم‌انداز آینده در روابط دو کشور»، تلاش دارند تا از منظر دیپلماسی فرهنگی به روابط ایران و عراق پس از ۲۰۰۳ و تغییر رژیم در این کشور بپردازند. عظیم‌زاده اردبیلی و امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «سازه‌انگاره سیاست خارجی نوین ترکیه و رقابت با جمهوری اسلامی ایران»، با بررسی اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بر مبنای نوع‌ثانی‌گرایی، معتقدند اتخاذ و پیگیری سیاست احیای نفوذ فرهنگی ترکیه در خاورمیانه با حوزه‌های نفوذ سنتی ایران در این منطقه برخورد پیدا می‌کند. در این مقاله چرایی و چگونگی این برخورد منافع بررسی شده است. عنایتی شبکلابی و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله «بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه»، مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه را در این دو کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. سید اسدالله اطهری و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله «بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در عراق و سوریه»، تلاش دارند تا از چشم‌انداز قدرت نرم، فرهنگی و دیپلماسی عمومی به مطالعه

تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در دو کشور عراق و سوریه بپردازند. رحمانی و شمس‌آبادی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در عراق پساصدام»، به مقایسه دیپلماسی عمومی دو کشور از منظر رسانه‌ای در عراق پرداخته‌اند و معتقدند ترکیه در این مسیر موفقتر عمل کرده است. ادوارد وستنید (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان «منازعات قدرت نرم ایران: از دیپلماسی فرهنگی تا جنگ نرم»، تلاش دارد تا عرصه سیاست خارجی ایران در ابعاد نرم و فرهنگی آن را مورد واکاوی قرار دهد. مایکل آیزنشتاد و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی تحت عنوان «نفوذ ایران در عراق»، بخش زیادی از تحلیل خود را به منابع فرهنگی و نفوذ نرم ایران در عراق اختصاص داده‌اند که کانون و نقطه ثقل دیپلماسی عمومی این کشور را نسبت به عراق در سال‌های مورد مطالعه، پس از سقوط صدام حسین شکل می‌دهد. سین کان (۲۰۱۱)، در مقاله خود تحت عنوان «رقابت در حال ظهور ایران و ترکیه در عراق»، تلاش دارد تا به خوانشی از رویکرد رقابتی این دو کشور در عرصه منطقه‌ای، با تمرکز بر عراق بپردازد. نویسنده معتقد است که نظم غرب آسیا در ذیل اقتدار دو قدرت منطقه‌ای مهم، یعنی ایران و ترکیه پس از سقوط صدام در حال شکل‌گیری است که نویسنده عراق را به عنوان نمونه موردی از ادعای خود در رقابت این دو کشور مطرح می‌کند. با بررسی چند منبع مهم در مورد دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق، می‌توان گفت اگرچه منابع متعددی در مورد دیپلماسی عمومی و قدرت نرم این دو کشور به صورت جداگانه وجود دارد، ولی کمتر منبعی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق را مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است، و در موارد معدود، از زاویه‌ای خاص و تک بعدی، مانند بررسی رسانه‌ای این مقایسه صورت گرفته است. بنابراین نوآوری مقاله حاضر در این است که بررسی تطبیقی دیپلماسی دو کشور ترکیه و ایران در عراق به صورت منسجم و نسبتاً کامل صورت پذیرفته است.

#### ۱- چارچوب نظری: نقش دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی

دیپلماسی فرهنگی در کنار دیپلماسی رسانه‌ای جزئی از دیپلماسی عمومی است که به همراه سایر مفاهیم هم‌پوشان بویژه دیپلماسی عمومی، روابط فرهنگی بین‌المللی و تبلیغات به کار رفته و با اینکه زیرمجموعه دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود، مترادف با آن نیست. به طور کلی

دیپلماسی عمومی شامل اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و ارتباطی به وسیله یک دولت حامی برای تأثیر بر افکار عمومی کشور هدف است تا به وسیله فشار افکار عمومی، رهبران سیاسی در کشور هدف را به تصمیم‌سازی بر حسب اهداف سیاست خارجی دولت حامی وادار کند. دیپلماسی فرهنگی نیز استفاده از فرهنگ یک دولت در پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی آن و ارتباط یک حکومت با مستمعین خارجی برای تأثیرگذاری مثبت بر آنهاست (بصیری و خوانساری‌فرد، ۱۳۹۵: ۸۱). بر این مبنای منظور از دیپلماسی فرهنگی، تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیر گذاردن بر فرهنگ مردم دیگر کشورهاست. دیپلماسی فرهنگی در واقع تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است.

دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز اعمال قدرت نرم است که به کشورها این امکان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). عرصه روابط بین‌الملل، به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. ازین رو، کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی و به عبارتی، دسترسی به قدرت نرم، از جمله اهداف مهم دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است که این مهم، به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و مکانیسم‌های مختلف تعقیب می‌گردد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). قدرت نرم در قالب دیپلماسی عمومی وظیفه مشروع‌سازی نظم مد نظر کشورها را برعهده دارد. قدرت نرم در قالب دیپلماسی فرهنگی، معنا بخشیدن به برخی از واقعیت‌ها و یا خلق واقعیت‌های جدید، از کانال‌های رسمی دولتی و غیردولتی تعریف می‌شود. در این الگو، دیپلماسی از طریق فرایندهای شناختی، مشروعیت بخشیدن به الگوهای ایجاد و یا ایجاد الگوهای نوین از رفتارها را برعهده می‌گیرد. دیپلماسی فرهنگی به طور ضمنی، رابطه متقابل مردمان با یکدیگر، همزیستی مربوط به روابط بین‌المللی در جهان را به رسمیت می‌شناسد و از این طریق، به خلق و یا مشروعیت بخشی الگوهای نوین کمک می‌نماید (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۴).

در دیپلماسی فرهنگی، تلاش می‌شود فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه شود، بنابراین به نوعی تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، نهادها و سازمانهاست. ابزارهای اصلی این نوع دیپلماسی شامل آموزش زبان، مبادلات آموزشی و انواع دیگر تماس‌های مستقیم فرهنگی‌اند (بصیری و خوانساری‌فرد، ۱۳۹۵: ۸۱). به صورت دقیقتر از مهمترین ابزارها می‌توان به انواع رسانه،

توریسم، ابزار علمی-دانشگاهی، آثار منتشره مانند کتاب، ابزارهای ورزشی و غیره اشاره کرد (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). یک دیپلماسی فرهنگی موفق می‌بایست سیاستگذاری‌های فرهنگی را بدین شرح به انجام برساند: ۱- تأسیس مراکز فرهنگی شبکه اطلاعاتی جهانی برای کشورهای هدف، ۲- چاپ و نشر کتاب و مجلات متعدد به زبانهای مختلف کشور هدف به صورت مجازی و غیرمجازی، ۳- ایجاد زیرساختهای ارتباطی گسترده میان اندیشمندان و دانشجویان خود و کشور هدف، ۴- ارتباطگیری گسترده با رهبران فرهنگی با استفاده از شبکه اطلاعاتی جهانی و تبادل هیأت‌های فرهنگی، ۵- برگزاری نمایشگاه‌های هنری و مبادلات محصولات فرهنگی مانند فیلم و ...، ۶- برقراری ارتباطات وسیع مجازی و اطلاعاتی با سازمان‌های دولتی و غیردولتی، ۷- ارتباط با رسانه‌های کشور هدف در قالب دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی سایبر (امینی و علمداری، ۱۳۹۱: ۴۰۵). کشورها با استفاده از این ابزارها اهدافی را دنبال می‌کنند. از جمله اهداف دیپلماسی فرهنگی یک کشور در کشورهای دیگر، آماده ساختن جوانان و نخبگان آینده این کشورها برای تکلم به زبان آن کشور و شناخت ادبیات و فرهنگ آن و به عبارت دیگر، ایجاد زمینه‌های لازم برای درک و ارج‌گذاری بیشتر گزاره‌ها و تصاویر انعکاس‌یافته از سوی وسایل ارتباط جمعی کشورهای انتقال دهنده زبان و ادبیات و فرهنگ پیشرفته است (خرازی محمدوندی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). از این طریق می‌توان به اعمال نفوذ و پیگیری اهداف ملی کمک کرد. بر این اساس می‌توان به بررسی دیپلماسی فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه در عراق پرداخت و آن را مورد مقایسه قرار داد.

## ۲. دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق

دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق را می‌توان در دو حوزه کردها و دیگر عراقی‌ها مطرح کرد. در ابتدا به حوزه کردها می‌پردازیم.

### ۲-۱. دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به کردهای عراق

دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به کردها مؤلفه‌های زیادی را در بر می‌گیرد. در این قسمت به مهمترین آنها پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱-۱. دیپلماسی ایران شهری نسبت به کردها

وجود پیوند و ریشه‌های تاریخی میان دو کشور ایران و عراق، علی‌رغم این که بر سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور تأثیر شایان توجهی دارد، بر میزان قدرت نرم ایران در عراق تأثیر مثبتی

دارد. زیرا ریشه‌های تاریخی مشترک و وجود آثار تمدنی، فرهنگی - اجتماعی ایران در عراق، مردم این کشور و مسئولین آن‌ها را به مردم نزدیک می‌کند. بر این مبنا میان ایرانی‌ها و کردهای عراق اشتراکات تاریخی زیادی وجود دارد. هنری فیلد<sup>۱</sup> در کتاب «مردم‌شناسی ایران» می‌نویسد: «کردها از حیث زبان و خصوصیات جسمانی، ایرانی هستند و به عنوان شعبه‌ای از نژاد ایرانی از حیث زبان، اخلاق، عادت و شیوه معیشت با سایر ایرانیان دارای جهات اشتراک هستند» (فیلد، ۱۳۴۳: ۵۴). جدا از اشتراکات دیرینه تاریخی و فرهنگی کهن میان ایرانیان و کردهای عراق، مانند اسطوره‌ها و آئین‌هایی چون نوروز، حکومت‌های معاصر ایران نیز ارتباط خوبی با کردهای عراق داشته‌اند. بر همین اساس، در بعد دیپلماسی فرهنگی، نقش نهادهای وابسته به سپاه، که قدرت زیادی در عراق و کردستان عراق دارند برجسته است. ایران از طریق قرارگاه رمضان با عنوان دفاتر نمایندگی ایران در شهرهای اقلیم کردستان مشغول فعالیت هستند. هدف اصلی این دفاتر عبارت است از:

۱. سازماندهی مناسبات میان احزاب کرد و ایران
۲. تشدید فعالیت‌ها بر علیه معارضان ایرانی
۳. کسب اطلاعات از شرایط داخلی عراق
۴. جمع‌آوری اطلاعات در مورد نهادهای خارجی، مدنی و فعالیت‌های کشورهای خارجی در اقلیم کردستان
۵. کمک‌های انسان‌دوستانه به منظور جلب افکار عمومی (محمدپور، ۱۳۸۳: ۹۷).
۶. و مهم‌تر از همه موارد فوق، توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران در اقلیم کردستان عراق. در مجموع، بر مبنای اندیشه فرهنگی ایران‌شهری است که ریشه‌های مشترک هویتی سبب می‌شود تا نه تنها روابط دوجانبه گسترش یابد؛ بلکه دامنه‌ای از تلاش‌ها برای تأمین منافع فرهنگی طرف مقابل که حمایت ایران از کردها در چارچوب کالبد فرهنگی است، دنبال شود. از این جهت می‌توان اظهار داشت که روابط فرهنگی میان ایران و کردها به‌طور خاص حزب اتحادیه میهنی کردستان طی چند دهه اخیر، تأثیری عمیق بر روند معادلات سیاسی اقلیم کردستان و کل عراق داشته است. ایران به‌طور سنتی از اتحادیه میهنی کردستان پشتیبانی می‌کند (نیکفر و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۱).

## ۲-۱-۲. دیپلماسی هنری، اجتماعی و رسانه‌ای نسبت به کردها

مهم‌ترین جنبه دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به کردستان عراق در چارچوب رویکرد ایران‌شهری را می‌بایست در بستر مناسبات به‌غایت تأثیرگذار هنری (موسیقی و سینما)، توریستی - درمانی و اجتماعی باز یافت. بر همین اساس، کردستان عراق به دلیل پیوندها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی، همواره مورد توجه مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. جمهوری اسلامی اقدام به برقراری روابط با اقلیم و گشایش سرکنسولگری در شهرهای اربیل و سلیمانیه نموده و دفاتر نمایندگی اقلیم نیز در تهران و شهرهای مرزی کشور گشوده شده است (Danilovich, 2017: 93).

هر ساله میزان مسافرت‌های زیارتی و توریستی و درمانی مردم دو کشور بیش از ۳ میلیون نفر در سال است، که بخش بزرگی از آن شامل کردها می‌شود (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۹۶). مراودات دانشگاهی، سمینارهای مشترک و مبادلات علمی و دانشجویی نیز در روابط دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار و مورد تأکید دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی است. دانشگاه‌های اقلیم کردستان عراق دارای توافق‌نامه‌های همکاری علمی، آموزشی و مبادله دانشجو با دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی جمهوری اسلامی می‌باشند. هم‌چنین، برگزاری همایش‌ها و سمینارهایی برای بزرگداشت و تجلیل از چهره‌های مشهور کرد ایرانی در کردستان عراق از جذابیت زیادی برخوردار است. علاوه بر آن، راه‌اندازی جشنواره‌های دائمی ادبی، هنری و فرهنگی در کردستان عراق و فراهم کردن زمینه حضور هنرمندان کرد ایرانی در برنامه‌های سالانه آنها نیز عامل روابط فرهنگی میان دو طرف است (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۹۷). در عین حال، صدها مؤلفه فرهنگی و اجتماعی دیگر نیز می‌توان از دل روابط اقلیم و ایران استخراج کرد.

## ۲-۲. دیپلماسی فرهنگی ایران نسبت به اعراب شیعی و سنی در عراق

بخش مهم دیگری از دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق، به مناطق غیر کردنشین، یا مناطق عربی آن مربوط است. قویترین اهرم ایران برای نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری در امور عراق، آئین تشیع است. ایران با آگاهی از این موضوع که نزدیک به شصت درصد مردم عراق شیعه هستند، مایل به استفاده از این برگ برنده به‌واسطه روابط سنتی ایجاد شده با شیعیان عراق است (ملکی و رازقندی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).



## ۲-۲-۱. دیپلماسی فرهنگی از طریق نشر زبان فارسی

در حوزه فرهنگی، به مانند بخش مربوط به کردها، زبان فارسی یکی از رشته‌های اصلی پیونددهنده دیپلماسی فرهنگی ایران با عراق، حتی در بخش‌های عربی است (بیکی، ۱۳۸۹: ۲۳۹). در جنوب عراق گروهی از شیعیان عراقی فارسی زبان هستند که با ایران روابط استواری دارند (مار، ۱۳۸۰: ۳۱). خیل عظیمی از عراقی‌ها در حال یادگیری زبان فارسی هستند و آن را به‌عنوان زبان دوم جایگزین انگلیسی کرده‌اند (سنائی و عبدالله پور، ۱۳۸۸: ۱۷۷). همچنین، از ویژگی‌های حوزه علمیه نجف اشرف، فارسی بودن آن است، زیرا اکثر طلاب آن از ایران، پاکستان، افغانستان و هند می‌باشند، که به زبان فارسی مسلطند (پارساپور، ۱۳۸۹: ۵۳). زبان فارسی، ابزار اصلی ارتباطی در دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق و میان اعراب به حساب می‌آید.

مؤسسات آموزشی و دانشگاهی ایرانی که پذیرای محصلان کشورهای اسلامی و خصوصاً عراقی هستند سهم قابل‌توجهی را در این زمینه برعهده دارند و هر ساله تعدادی از دانشجویان عراقی از کرد و عرب و دیگر اقلیت‌های مذهبی برای ادامه تحصیلات وارد ایران می‌شوند. در کنار مراکز آموزشی دانشگاهی، مؤسسات مذهبی نیز پذیرای خیلی از دین‌پژوهان و تحصیل‌کنندگان حوزوی هستند. به‌عنوان نمونه عمده دانشجویان دانشگاه بین‌المللی جامعه‌المصطفی از کشورهای همسایه و شیعه‌نشین به‌ویژه عراق هستند (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۲). بیشترین درصد دانشجویان دانشگاه بین‌المللی آل‌البیت نیز مربوط به عراق است که نزدیک به ۲۰ درصد دانشجویان این دانشگاه را تشکیل می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۷۲-۱۷۱).

## ۲-۲-۲. دیپلماسی فرهنگی از مسیر سفارت‌خانه‌ها و انجمن‌های دوستی

در بعد نرم و مرتبط با رویکرد دیپلماسی فرهنگی کشور، جمهوری اسلامی ایران نفوذش در بعد فرهنگی را از طریق سفارت خود در بغداد و کنسول‌خانه‌هایش در بصره، کربلا، اربیل و سلیمانیه اعمال می‌کند (Eisenstadt and Others, 2011: 3). انجمن دوستی ایران و عراق، یک مؤسسه غیردولتی و غیرانتفاعی مردم نهاد است. برگزاری ضیافت‌ها، مهمانی‌ها و مراسم گوناگون که توسط انجمن دوستی برگزار می‌شود، می‌تواند به تصویرسازی مثبت از ایران تأثیر گذاشته و اخبار جمهوری اسلامی ایران را دائماً در رسانه‌های بین‌المللی زنده نگاه دارد (جعفری و نیک‌روش، ۱۳۹۴). این مراسم، نفوذ فرهنگ را در چارچوب پیامی ساده و صلح‌آمیز به شکل حداکثری و حتی نیرومندتر از قدرت سخت منتشر می‌کند.

## ۲-۲-۳. دیپلماسی فرهنگی از مسیر رسانه

دیپلماسی رسانه‌ای ایران چند متولی دارد، ولی اصلی‌ترین آنها صدا و سیماست. به اعتراف برخی منابع غربی، ایران در دیپلماسی رسانه‌ای خود در عراق، چه رسانه شنیداری و چه تصویری، بر شکاف‌های شیعه - سنی این کشور تمرکز نداشته (Torfeh, 2016: 3) و محتوای پیام‌های ارسالی رسانه‌های ایرانی به عراق نشان می‌دهد که به دنبال ایجاد وحدت در میان جامعه چندپاره همسایه بوده و منافع خود را در حوزه نفوذ در عراق، از این مسیر پیگیری نموده‌اند. در نتیجه، ایران از مسیر رسانه‌ای قلب و ذهن عراقی‌ها را از طریق اخبار به زبان عربی و برنامه‌های سرگرمی با شبکه تلویزیونی العالم، تسخیر کرده است (Eisenstadt, 2015: 3-4). تحلیل محتوای برنامه‌های العالم نشان می‌دهد که پس از سال ۲۰۱۱، تمرکز آن بر حوادث بحرین، یمن و سوریه، به سود دولت قانونی آنها بوده است. هم‌چنین دو شبکه عراقی نیز در راستای دیپلماسی رسانه‌ای ایران فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آنها، عبارتند از «التجاه» و «الغدیر». اما پرمخاطب‌ترین رسانه غیر ایرانی که در پازل دیپلماسی رسانه‌ای ایران قرار دارد، «المیادین» است که مقر آن در بیروت است. تحلیل محتوای برنامه‌های این خبرگزاری، نشان از تلاش آن در راستای ایجاد وحدت در عراق دارد (رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۸: ۸۷). این شبکه‌ها عامل کلیدی در جذب بخش‌های مختلف جامعه عراقی به دیپلماسی فرهنگی ایرانی، به علت انطباق اخلاقی برنامه‌های تولیدی ایرانی با جامعه مذهبی عراق است.

## ۲-۲-۴. دیپلماسی فرهنگی از مسیر مذهب

در حوزه مذهبی نیز، دیپلماسی فرهنگی ایران از کارکرد ویژه‌ای در عراق برخوردار بوده است. به‌عنوان مثال، حوزه علمیه قم در میان حوزه‌های علمیه شیعی، اهمیت به‌سزایی دارد. این حوزه با تعلیم و تربیت شخصیت‌ها و روحانیون فرهیخته، نقش زیادی در حفظ و درخشش اسلام در جهان داشته است (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۸). ارتباطات و مبادلات بین دو حوزه علمیه قم و نجف پس از ۲۰۰۳ تقویت شده است، که این امر می‌تواند موجبات نفوذ بیشتر ایران در عراق را فراهم نماید (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۲). شیعیان عراق به‌طور عمده در این شهرها سکونت دارند. از دیدگاه ایران، تاریخ، مذهب و فرهنگ جنوب عراق به‌طور مستقیم در حوزه نفوذ ایران قرار دارد (Abedin, 2000: 1-5)؛ وجود این شهرها با دارا بودن اکثریت شیعه‌نشین توانسته وزنه‌ای مناسب در تحقق طرح‌های اسلامی و شیعی مورد نظر ایران و

پیروی از منویات جمهوری اسلامی ایران باشد و در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌کارگرفته‌شود (دکم‌جیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴). یکی دیگر از مواردی که در حوزه مذهبی قابل ذکر است آیین پیاده‌روی اربعین است که ظرفیت تأثیرگذاری زیادی بر شیعیان دو کشور و نزدیکی آنها به یکدیگر دارد. اگر سرمایه فرهنگی را مهمترین سرمایه پیشرفت تمدنی تلقی کنیم، زیارت اربعین با پویایی و تبادل فرهنگی عظیمی که در درون خود دارد، گسترده‌ترین نهاد تولید کننده سرمایه فرهنگی خواهد بود. اگر جغرافیای فرهنگی شیعی را ظرف ظهور تمدن اصیل اسلامی بدانیم، زیارت اربعین مهمترین عنصر شکل دهنده و حرارت‌بخش آن خواهد بود. اگر مشارکت مردمی را مهمترین سرمایه اجتماعی تلقی کنیم، پیاده‌روی اربعین با حضور عظیم میزبانان عراقی، باشکوه‌ترین جلوه‌گاه سرمایه اجتماعی است. اگر دیپلماسی فرهنگی را مهمترین راهبرد در ارتباطات فرهنگی محسوب کنیم، زیارت اربعین با ظرفیت میان فرهنگی عظیم خود، مهمترین بستر دیپلماسی فرهنگی خواهد بود (غیائی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳۷).

## ۲-۵. دیپلماسی فرهنگی ایران با رویکرد محور مقاومت در عراق

اقدام نظامی امریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ و فروپاشی صدام که بیش از همه با شیعیان دشمنی می‌کرد، نقطه عطفی در حضور شیعیان در صحنه سیاسی خاورمیانه بود. ورود شیعیان عراق به فضای سیاسی خاورمیانه، الگوی تازه‌ای در کار الگوی شیعی ایران از لحاظ سیاسی پدید آورده است. قدرت‌گیری شیعیان در عراق و جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل که باعث تبدیل حزب‌الله به یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای شد، به سهم خود به قدرت گرفتن نقش و نفوذ ایران در تحولات منطقه خاورمیانه کمک کرد. این وقایع باعث شد برخی مقامات کشورهای منطقه نسبت به افزایش نقش و اقتدار شیعیان، بویژه ایران، اظهار نگرانی کنند و برای بیان نگرانی خود از اصطلاح هلال شیعی<sup>۱</sup> استفاده کنند (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۸). در این مسیر ایران با حمایت‌های خود از شبه نظامیان شیعی در کشورهای مختلف، بویژه در عراق، توانسته است نفوذ زیادی در میان آنها پیدا کند.

مسئله مهم این است که مقوله محور مقاومت در نفوذ فرهنگی ایران در عراق اساساً یک مقوله نظامی است، نه فرهنگی، ولی از این جهت که فرهنگ مقاومت را شکل می‌دهد، مقوله‌ای

فرهنگی محسوب می‌شود. در این راستا می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین محورهای دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه را فرهنگ و ادبیات مقاومت در چارچوب ایده محور مقاومت شکل می‌دهد. بسترهای این کنش بسیار پیش‌تر از ظهور داعش شکل گرفته بود و داعش تنها یک فرصت مناسب برای عملیاتی‌سازی و معرفی نیروهای حشد شعبی در قالب خط تداوم محور مقاومت بود. دیپلماسی فرهنگی محور مقاومت در عراق با یک هدف کاملاً فرهنگی شکل گرفت. بدین معنا که در نتیجه ظهور داعش و تهدید اماکن فرهنگی - مذهبی تشیع در عراق، گروه‌هایی پراکنده و بعدها منظم خود را مدافع عراق و مراکز مقدس شیعیان در مقابل داعش معرفی کردند که بعداً تحت نام رسمی و سازمانی حشد شعبی معروف شدند. که زیر نظر سپاه قدس آموزش می‌بینند (Duman, 2015: 7- 8). حشد شعبی به شدت وابسته به تفکرات انقلاب اسلامی، آرمان‌های انقلاب ایران، ولایت فقیه و حکومت اسلامی هستند. این نیرو، مهم‌ترین وزنه فرهنگی هوشمند (نرم و سخت) ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی عراق است (Coles and Lucey, Jan. 6, 2020). در ادامه به بررسی دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق می‌پردازیم.

### ۳. دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق

به مانند دیپلماسی فرهنگی ایران، ترکیه با ابزار دیپلماسی فرهنگی برای ایجاد نفوذ در عراق پا به میدان گذاشته است. در ذیل به مهمترین وجود دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد نوعثمانی‌گرایی در عراق

نوعثمانی‌گری ایده و سیاستی است که خواهان احیاء شکوه و نفوذ امپراطوری عثمانی در دوران قدرت آن است. آمیخته‌ای است از اسلامیت حنفی در چارچوب تاریخ و فرهنگ عثمانی و نیز قومیت ترکی که هدفش ارتقاء موقعیت ترکیه در تمامی ابعاد است. نوعثمانی‌گری اشاره به بازگشت به گذشته و سال‌های سلطه و استیلای ترکان عثمانی بر کشورهای چون عراق، سوریه، لبنان، عربستان، کویت و مصر دارد. بر این مبنا، ترکیه در صدد رسیدن به جایگاهی شایسته‌تر در جهان اسلام است (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۳۲). نگاه از بالا به پایین ترکیه نسبت به کشورهای بازمانده و جداشده از امپراتوری عثمانی مانند عراق باعث شده است تا با اتخاذ سیاست نوعثمانی‌گری به دنبال روابط اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای با این کشورها باشد و این روابط را در چارچوب فرهنگی آن، برای بازتجدید حیات عثمانی گسترش دهد (Ari, 2019: 5).

در چارچوب دیپلماسی فرهنگی ترکیه، ارگانهای دولتی و خصوصی بسیاری با طیف گسترده‌ای از ابزارها شامل سمینارها، نشریات، کانال‌های ماهواره‌ای، فیلم‌ها، سریال‌های بلند و دیگر تولیدات تلویزیونی، آموزش زبان و ..... سیاست‌های مربوط به این دیپلماسی را با رویکرد نوعثمانی‌گری و ناسیونالیسم ترکی پیش می‌برند. از جمله:

- ۱- KABIL - یونس امره - عنصر زبان (مرکز فرهنگی): آشنایی اولیه با ترکیه، هموارسازی مسیر فرهنگی، مسئول ایجاد دیالوگ زبانی، ایده‌سازی ترک‌شناسی،
- ۲- TIKA - عنصر اجرائی (آژانس همکاری و هماهنگی): نوسازی فرهنگی، بازسازی و مرمت اماکن و مدارس، اشتغال، کمک خیریه، راه‌سازی و توسعه فنی (عملگرایی فرهنگی)،
- ۳- TRT - عنصر تبلیغی (آژانس آناتولی): ارتباط تمام وقت با جامعه هدف به منظور انعکاس خبری، دیپلماسی رسانه‌ای، افکارسازی، آینده‌سازی، جریان‌سازی، جنگ اطلاعاتی آشکار، سریال‌سازی و ترمیم افکار عمومی، فعالیت در حوزه زنان و کودکان،
- ۴- KDK - عنصر جذب (موسسه حقوق بشر): فعالیت در حوزه دانشجویان، نزدیکی به جامعه دیازپورا و طرفداران در خارج،

۵- سازمان امور دیانت - عنصر دولتی: فعالیت‌های دینی و تربیت علمای حنفی بر مبنای

دستور کار دولتی، نزدیکی به نهادهای دینی کشورهای مسلمان (فعالیت رسمی)، این ابزارها برای حل مشکلات ارتباطی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی منطقه‌ای و بهبود چهره این کشور نزد مردم منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد (عنایتی و دیگران، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۴).

### ۲-۳. دیپلماسی فرهنگی از مسیر رسانه؛ نفوذ فیلم‌ها و سریال‌های ترکیه‌ای در عراق

این مدل از نفوذ نرم به واسطه قدرت فراگیری، دسترسی آسان و نیز جمعی‌بودن آن از اهمیت بسیاری برخوردار است و مهم‌ترین ستون دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد نوعثمانی‌گرایی است. طبق برخی آمارها، ۷۴ درصد از مردم شانزده کشور خاورمیانه که عراق نیز یکی از آنهاست، حداقل یک سریال ترک را به‌طور کامل دنبال کرده‌اند و بسیاری از آنها نام چندین بازیگر ترک را می‌شناسند (یورونیوز، ۲۹ می ۲۰۱۲: <https://per.euronews.com>). به‌گفته مدیرعامل آژانس جهانی ایزت پیتو، ترکیه پس از هالیوود دومین صادرکننده سریال‌های تلویزیونی است. به‌دلیل این علاقه فزاینده به فیلم‌های ترکیه، میلیون‌ها نفر از عرب‌ها، استانبول و دیگر مناطق ترکیه را برای تعطیلات و خرید اجناس خود انتخاب کرده‌اند. نفوذ فیلم‌ها و سریال‌های ترکی در میان بخش کرد عراقی نیز بالاست.

دو کانال گُردماکس و نت تیوی از مهم‌ترین شبکه‌های کردی در اقلیمند که فیلم‌های ترکی نمایش می‌دهند (BBC, 6 June 2020: www.bbc.com).

### ۳-۳. دیپلماسی فرهنگی از مسیر آموزش: تحصیل و آموزش زبان ترکی در عراق

یکی از مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق ترویج زبان ترکی است. در این زمینه می‌توان به فعالیت‌های مختلف سفارت این کشور در بغداد، آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه (تیکا)، موسسه یونس امره و ... در دو بخش ساخت مدارس و دانشگاه و نیز آموزش اشاره کرد (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۲۵ اسفند ۱۳۹۸: [fr.paris.icro.ir/15678](http://fr.paris.icro.ir/15678)). در همین چارچوب، در بخش کردی عراق، تأسیس مدارس ترکیه سابقه‌ای چندین ساله دارد. شاید بارزترین آنها تأسیس مجموعه مدارس ایشق (عشق) از سال ۲۰۰۸ در اقلیم کردستان باشد که تحت نظارت معلمان و کادر آموزشی ترک اداره می‌شوند. دانشگاهی نیز تحت همین عنوان در سلیمانیه ایجاد شده است (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۲۵ اسفند ۱۳۹۸: [fr.paris.icro.ir/15678](http://fr.paris.icro.ir/15678)). بنیاد معارف ترکیه نیز با در اختیار گرفتن یک مدرسه خصوصی در شهر اربیل، مرکز اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۸، در سطوح پیش‌دبستان، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با ظرفیت هزار و پانصد نفر فعالیت می‌کند (خبرگزاری آناتولی، ۱۷ جولای، ۲۰۱۸: [www.aa.com.tr/fa/1349297](http://www.aa.com.tr/fa/1349297)).

### ۳-۴. دیپلماسی فرهنگی از مسیر مذهب: نزدیکی به اهل سنت در عراق

ترکیه بر مبنای دیپلماسی فرهنگی-مذهبی تلاش نمود در راستای معرفی خود به‌عنوان مرجعیت اهل سنت و ارتباط و نزدیکی بیشتر با اهل سنت عراق، بقاع متبرکه آنان را بازسازی و نوسازی کند. در این حوزه ترکیه تلاش دارد تا بر باورهای مذهبی مردم عراق، خصوصاً سنی‌ها نفوذ کند. در عین حال، ترکیه از باورهای مذهبی عراقی‌ها و شکاف عمیق مذهبی در این کشور به نفع نفوذ سیاست‌های خود با ابزار دیپلماسی فرهنگی بهره می‌برد. نزدیکی به کردها و به‌خصوص جریان غالب در اقلیم یعنی بارزانی‌ها، گسترش روابط با اهل تسنن عراق و حمایت از ایاد علاوی، سکولار و وابسته به اهل سنت در انتخابات ۲۰۱۰ میلادی عراق (Tremblay, 2014: 3)، از جمله این اقدامات است که در بعد دیپلماسی فرهنگی نوعثمانی ترکیه، برای تجدید میثاق با این بخش از جامعه عراق صورت گرفته است.

### ۳-۵. دیپلماسی فرهنگی ترکیه با رویکرد ناسیونالیسم ترکی در عراق

یکی از اهرم‌های در دسترس ترکیه، وجود ترکمن‌ها در شهر کرکوک، اربیل و اطراف آن است. ترکمن‌ها، عراقی‌هایی با اصالت ترکی هستند که به میراث و هویت ترکیه پایبندند (Triana, 2017: 118). بیشتر ترکمن‌های عراق فرزندان سربازان، بازرگانان و کارمندان دولت عثمانی هستند، که در زمان حکومت امپراتوری عثمانی از آناتولی به عراق آورده شده‌اند (Jawhar, 2010: 313). نتایج نشان می‌دهد که ترکیه در این مسیر موفق عمل کرده است. به عنوان نمونه جبهه ترکمانی که در مناطق شمالی عراق فعالیت دارد و تحت حمایت ترکیه است، به سخنگوی دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه تبدیل شده است و هرگونه ائتلاف یا اعتراض علیه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت مرکزی عراق یا دولت محلی اقلیم کردستان را با هماهنگی ترکیه انجام می‌دهد (نیکفر و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۵). به این ترتیب ترکیه با تأکید و تقویت عناصر هویتی در میان کردها و ترکمن‌های عراق، بر اساس گفتمان نوع‌نمان‌گرایی، سعی دارد با جهت دادن افکار جامعه عراقی، بویژه کردها و ترکمن‌ها، با ابزارهای مختلف رسانه‌ای، آموزشی، حمایتی و غیره، فکر و عمل آنها را در جهت اهداف خود هدایت کند. با بررسی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق، زمینه برای مقایسه این دو فراهم می‌شود.

### ۴. بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق

اگرچه در بررسی دیپلماسی فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه در عراق، مجال اندکی برای بررسی جزئیات آن در حوزه‌های مختلف وجود داشت، ولی همین جزئیات منشأ تفاوت در رویکردهای فرهنگی دو کشور در عراق شده است.

#### ۴-۱. تفاوت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق

مهمترین تفاوت‌های مبانی دیپلماسی فرهنگی دو کشور در عراق به شرح ذیل می‌باشند.

##### ۴-۱-۱. مذهبی‌گرایی ایران در مقابل سکولاریسم ترکیه

مذهب‌گرایی ایران در عراق مخصوصاً بعد از سال ۲۰۰۳ به بعد اهمیت مضاعفی پیدا کرد. از نقطه نظر مذهبی، بخش مهمی از هویت شیعی ایرانیها در عراق قرار دارد و شیعه به عنوان مذهب رسمی و تاریخی اکثریت قاطع مردم ایران، بدون نجف و کربلا قابل تعریف نیست. حضور پیوسته علمای ایرانی در حوزه نجف و نقش آنان در تشکیل حوزه فقهی شیعی در عراق را نمی‌توان انکار کرد. دستیابی شیعیان به قدرت در عراق، علاوه بر این که می‌تواند

جو بی‌اعتمادی و تهدید را که در گذشته بر روابط دو کشور حاکم بوده را از بین ببرد، ظرفیت گسترش همکاریها در چارچوب منافع مشترک را نیز دارد. بسیاری از مردم عراق خواستار روابط پایدار و مسالمت‌آمیز با ایران هستند، از نگاه شیعیان عراقی علایق مذهبی در اولویت قرار داشته و آنان را قادر می‌سازد تا شهرهای مقدس مشهد و قم را زیارت کنند (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۳). این مسئله در مورد ایرانیان حالت متقابل دارد به گونه‌ای که زیارت کربلا به یک مسئله نمادین در جهان اسلام تبدیل شده است. بنابراین ایران همواره از شیعیان عراقی حمایت کرده و با کمک آنها علاوه بر مبارزه با سلطه‌طلبی امریکا در عراق و منطقه، محور مقاومت را نیز تقویت کرده‌اند. مهمترین عاملی که ایران می‌تواند به آن به عنوان برگ برنده خود در عراق نسبت به ترکیه از آن بهره ببرد، ژئوپلیتیک شیعه و تأثیرگذاری عمیق بر شیعیان این کشور است (Cetinsaya, 2017: 162).

در مقابل بر اساس دکترین نوعثمانی‌گری سیاست خارجی ترکیه نباید با پیشینه تاریخی و سیاست سکولار و متمایل به غرب در تضاد باشد. بنابراین رویکرد فرهنگی ترکیه در عراق نه به صورت مذهبی، بلکه ترویج آموزه‌های سکولاریسم است. اگرچه به لحاظ رقابتی که با ایران دارد، از گروه‌های سنی در مقابل حمایت ایران از شیعیان حمایت می‌کند. دولت این کشور با تأکید بر ملی‌گرایی، سکولاریسم، تدوین قانون اساسی بر اساس معیارهای غربی و انتخاب زبان انگلیسی نشان داد، که هویت سیاستگذاران این کشور در عرصه سیاست خارجی سکولار و ملی‌گرایی بود. می‌توان گفت به دلیل برتری جریان توسعه‌گرا در سیاست داخلی و خارجی این کشور نشان از هستی‌شناسی سکولار سیاستگذاران این کشور دارد (عظیم‌زاده اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۴). بنابراین دیپلماسی کشور ترکیه در قالب فرهنگی سعی در ارائه سکولاریسم را دارد و این امر به شیوه‌های مختلفی تبلیغ می‌شود که از جذابیت‌های ترکیه محسوب می‌شود.

#### ۴-۱-۲. رویکرد تعاملی ایران در مقابل تفوق‌گرایی ترکیه

بعد از سقوط صدام رویکرد تعاملی ایران و عراق از تضاد به تعامل مثبت تغییر یافت. تعامل دو طرف، به ویژه بعد از دستیابی شیعیان به قدرت حالت تعامل سازنده به خود گرفت و بستر مناسبی برای سیاست‌گذاری دستگاه دیپلماسی ایران در سطوح ملی و منطقه‌ای فراهم شد. در سطح ملی، حضور شیعیان در رأس قدرت، زمینه‌های ایجاد تعامل مبتنی بر همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی-امنیتی را فراهم ساخت. در سطح منطقه‌ای، بیش از



هر چیز تقویت عنصر شیعه در عراق جدید، نقش مهمی در متعادل کردن روابط ایران با عراق داشته است. وجود مبانی مشترک مذهبی و اشتراکات تاریخی-فرهنگی از جمله شاخص‌هایی هستند که باعث تسهیل تعامل ایران و عراق شده است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

در مقابل بر اساس دکترین نوعثمانی‌گری، ترکیه باید بتواند نقش رهبری و هدایت‌کننده روندها و تحولات در خاورمیانه را بر عهده گیرد. بر این اساس شاهد نوعی تفوق‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه هستیم. بنابراین سیاست این کشور در عراق نیز متأثر از الگویی است که در آن مشارکت حداکثری ترکیه در تأمین ثبات و امنیت این کشور لحاظ شود؛ چرا که هویت کردی عامل تنش‌زا برای تحولات داخلی ترکیه به شمار می‌رود. لذا بر اساس دکترین کاهش مشکلات با همسایگان و عمق استراتژیک سیاست همکاری با دولت کردستان عراق، حمایت از جریانهای سنی و گفتگو با دولت مرکزی از جمله رویکردهای سیاسی ترکیه نسبت به عراق بوده است (عظیم‌زاده اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۷). ولی روند تحولات و اقدامات ترکیه در عراق نشان داده که اصل تلاش برای تفوق منطقه‌ای باعث شکل‌گیری رویکردی فرصت‌طلبانه، منفعت‌محور و با عملگرایی بالا شده است، به گونه‌ای که منافع ترکیه در عراق باعث شده است که حتی به داعش نیز کمک کنند.

#### ۴-۱-۳. رویکرد خیرخواهانه ایران در مقابل رویکرد منفعت‌محور ترکیه در عراق

دیپلماسی عمومی ایران در عراق بر مبنای حفظ وضع موجود و حمایت از دولت‌های مستقر است. در مقابل دیپلماسی ترکیه بر مبنای تغییر وضع موجود قرار دارد. بر این اساس دو کشور ایران و عراق به عنوان همسایگان همسو و هم‌سود به یکدیگر نگاه می‌کنند، ولی در مقابل نگاه ترکیه به همسایگان جنوبی خود تقابلی و تعارضی است. ایران خود را هم پیمان و تا حدودی میانجی در عراق می‌داند، اما ترکیه به دنبال هژمونی منطقه‌ای و رهبری منطقه‌ای است. به همین دلیل ترکها از دیپلماسی عمومی برهم‌زننده برای تجدید ساختار و رفتار و دستیابی به منافع بیشتر در عراق استفاده می‌کنند، در برابر آنها، ایران از دیپلماسی تحکیم شرایط داخلی و حفظ مناسبات در زمینه‌های گوناگون بهره می‌برد (اطهری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

در مجموع می‌توان گفت ایران علاوه بر اینکه پذیرای بسیاری از مهاجران عراقی چه در دوره جنگ تحمیلی و چه بعد از آن بوده است، کمک‌های زیادی نیز به لحاظ اقتصادی برای ترمیم آثار ناشی از جنگ عراق و آمریکا و رفع محرومیت در عراق نموده است، در مورد

بازسازی عتبات عالیات نیز سهم ویژه‌ای داشته است. ستاد بازسازی عتبات عالیات توانست اقدامات و خدمات زیادی مانند ایجاد مراکز درمانی، علاوه بر بازسازی عتبات عالیات انجام دهد (جوادی ارجمند و امیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۶۲). همچنین کمک بزرگی که ایران به عراق نمود در مورد مقابله با گروهک داعش بود. به عنوان نمونه در دوره نخست‌وزیری «حیدرالعبادی»، به واسطه کمک‌های سیاسی، نظامی، اطلاعاتی ایران جهت شکست داعش و عملیات آزادسازی شهرهای عراق از این گروه تروریستی که بخش عظیمی از خاک عراق را اشغال کرده بود، مناسبات ایران بیش از پیش با دولت بغداد تحکیم گردید. نقش مهم ایران در حفاظت از تمامیت ارضی عراق در جریان مسأله استقلال-خواهی کردستان هم، نه تنها نیروهای سیاسی دوست ایران را در عرصه سیاسی این کشور تقویت کرد، بلکه ایران را به متحدی استراتژیک و قابل اتکا برای دولت بغداد تبدیل ساخت (منتی و هادیان، ۱۳۹۸: ۱۴۹). در مقابل بسیاری معتقدند ترکیه با رویکرد منفعت‌محور در بسیاری از مواقع از داعش حمایت کرده یا حداقل رویکردی منفعلانه در برابر آن داشته است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

#### ۴-۱-۴. پیوندهای تاریخی ایران در مقابل ناسیونالیسم ترکی

در دیدگاه ایران‌شهری نسبت به عراق، مشخص است که تعاملات فرهنگی و تاریخی دو کشور ریشه‌ای طولانی دارد. در هیچ کشوری آثار تمدن و فرهنگ ایرانی، خواه در روزگار باستان و خواه از عصر اسلامی، به اندازه آنچه در عراق دیده می‌شود، وجود ندارد و آثار تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی در همه جای این کشور دیده می‌شود (پارساپور، ۱۳۸۸: ۳). داشتن پیشینه مشترک تاریخی و مشترکات فرهنگی، زمینه‌های تأثیرپذیری عراقی‌ها را نسبت به خواسته‌های ایران افزایش می‌دهد. در مقابل ترکیه مدعی است عراق در دوره عثمانی تحت حاکمیت این امپراطوری قرار داشته و اکنون با رویکرد نوع‌نمان‌گرایی و سیاست ناسیونالیسم ملی قصد دارند در این مناطق نفوذ گذشته را داشته باشند، اگرچه این هدف را نه به شیوه سخت‌افزاری، بلکه با دیپلماسی فرهنگی به انجام می‌رسانند. یکی از این موارد آموزش زبان ترکی در عراق است و دیگری توجه ویژه به ترکمن‌های عراقی که مدعی هستند هم‌نژاد آنها هستند و به نوعی ادامه نژاد ترکیه در عراق است. بدین ترتیب دفاع از حقوق ترکمن‌های عراق در کانون توجه ترکیه قرار دارد (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۸۴). همانطور که صاحب‌نظران بیان کردند، ناسیونالیسم ترکی باعث ایجاد بدبینی اعراب شده و به نوعی تقابل ناسیونالیسم عرب و کردی را به وجود می‌آورد.

علاوه بر تفاوت‌هایی که اشاره شد، تشابهاتی نیز در دیپلماسی فرهنگی این دو کشور وجود دارد که ناشی از به کارگیری ابزارهای مشابه برای نفوذ فرهنگی در عراق است. اگرچه این ابزارها مشابه هستند، ولی تأثیرگذاری آنها بر شهروندان عراقی یکسان نیست.

#### ۴-۲. تشابهات دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق

هر دو کشور ایران و ترکیه از ابزارهای مشابهی مانند بهره‌گیری از رسانه‌ها، فعالیت سازمان‌های مختلف ایران و ترکیه در عراق، رویکردهای علمی و آموزشی و ترویج زبان بهره می‌برند.

#### ۴-۲-۱. دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در عراق

سقوط نظام دیکتاتوری در عراق، به قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران و ترکیه این فرصت را داد تا بتوانند با استفاده از فضای نسبتاً باز رسانه‌ای که به وجود آمده بود، افکار عمومی این کشور را به سوی خود جلب کنند. ولی تفاوت‌هایی در استفاده از این ابزار در سیاست‌های دو کشور وجود دارد.

#### اول: دیپلماسی رسانه‌ای ایران در عراق

ایران در راستای صدور انقلاب، همواره به «فتح قلوب ملت‌ها» توجه داشته و از همین رو، دیپلماسی رسانه‌ای، در سیاست‌های این کشور در عراق حائز اهمیت بوده است. یکی از این موارد روزنامه‌ها هستند. روزنامه در ایران گرچه سابقه‌ای دیرینه دارد، ولی تعداد روزنامه‌های ایران امروزه در مقایسه با کشورهای منطقه چندان زیاد نیست. بین روزنامه‌های ایرانی، تنها روزنامه «الوفاق» به زبان عربی منتشر می‌شود. تیراژ پایین این روزنامه در کنار انتقال تمرکز خوانندگان به نسل جدید رسانه‌ها، باعث ناشناخته ماندن آن در جامعه عراق شده است. به طور خلاصه، روزنامه در دیپلماسی رسانه‌ای ایران در عراق، چندان مورد توجه نیست. دیگری رادیو است. سرمایه‌گذاری روی رادیوی برون مرزی از اوایل انقلاب چندان چشمگیر نبود و پس از آن هم تغییری پیدا نکرد. تا سال ۲۰۱۶، تنها تعداد معدودی از رادیوهای ایران به زبان عربی برنامه پخش می‌کردند که مهم‌ترین آن‌ها رادیو پیام و رادیو اسلام بوده‌اند. این رادیو، توجه اصلی خود را بر روی ترویج فرهنگ اسلام ناب قرار داده است (رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۶).

همچنین می‌توان به شبکه‌های تلویزیونی اشاره کرد. ایران ظرف ۲۵ سال از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵، شمار شبکه‌های تلویزیونی خود را به ۲۵ عدد رسانده، که برخی از آنها به زبان عربی برنامه پخش

می‌کنند. ایران، در میان رسانه‌های موجود، سرمایه‌گذاری اصلی خود را همچون ترکیه، بر روی تلویزیون قرار داده است. اولین شبکه برون مرزی و عرب‌زبان ایران «سحر» بود که از اوایل انقلاب کار خود را با روزی ۹۰ دقیقه برنامه آغاز کرد. تا آن که در سال ۸۴، تبدیل به شبکه ماهواره‌ای و مستقل با نام «الکوثر» شد که از سال ۱۳۸۹، برنامه کاری‌اش ۲۴ ساعته شد. بخش عمده‌ای از تمرکز این کانال بر روی گسترش و تقویت بنیان‌های فکری شیعی و نزدیک‌تر کردن شیعیان عرب به نظام ایران است (Torfeh, 2016: 3). شبکه مهم دیگر العالم است. العالم به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، مؤثرترین رسانه خارجی ایران است. این شبکه در سال ۲۰۰۳ کار خود را آغاز و در بیروت، دمشق، بغداد و تهران دفتر ایجاد کرد. تحلیل محتوای برنامه‌های آن حکایت بر تمرکز آن بر جنبه خبرپراکنی داشته است. همچنین، پیام‌های ارسالی این شبکه، بیشتر در راستای مقابله با امریکا و ایجاد وحدت در عراق بوده است. شبکه‌های خبرپراکنی دیگری مانند «المنار»، با مدیریت گروه رسانه‌ای حزب‌الله لبنان، «المیادین» که مقر آن بیروت است و شبکه‌های دیگری در راستای خبرپراکنی دیپلماسی ایران فعالیت می‌کنند. اما ایران در جنبه سرگرم کننده نیز شبکه‌هایی مانند «آی فیلم» را راه‌اندازی کرد که بیشتر سریال‌های تاریخی-مذهبی را به زبان عربی دوبله و در کشورهای عربی منطقه پخش می‌کند (رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۸-۸۶). «پیش از حد دولتی بودن» رسانه‌های ایرانی یکی از ضعف‌های آن است که باعث شده در پیام‌های ارسالی، خواسته‌های مخاطبان مورد توجه قرار نگیرد. در مقابل اخلاق‌گرایی و پرهیز از جلب مخاطب با شیوه‌هایی همچون ایجاد جذابیت جنسی، یکی از چارچوب‌های ثابت سیاست رسانه‌ای ایران در قبل عراق بوده است. به علاوه، ایران در دیپلماسی رسانه‌ای خود در عراق، بر شکاف‌های شیعه-سنی این کشور تمرکز نداشته و به دنبال ایجاد وحدت در میان جامعه چندپاره همسایه بوده‌اند (Torfeh, 2016: 3).

### دوم: دیپلماسی رسانه‌ای ترکیه در عراق

همزمان با تلاش ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا، فضای رسانه‌ای این کشور بازتر و به تبع آن کمیت و کیفیت رسانه‌ها نیز بازتر گردید. همچنین بسیاری از رسانه‌ها غیردولتی هستند. به طور کلی در ترکیه ۲۴۵۹ عنوان روزنامه منتشر می‌شود که ۲۳ روزنامه در سطح منطقه‌ای و ۵۵ روزنامه در سطح بین‌المللی فعالیت دارند. این روزنامه‌ها عمدتاً به زبان‌های عربی و کردی منتشر می‌شوند و به این طریق راه نفوذی به جامعه عراق ایجاد می‌کنند. همچنین ترکیه از سال ۱۹۲۶ تا ۲۰۱۷، ۱۰۸۷ ایستگاه رادیویی راه‌اندازی کرده که ۳۱ عدد از

آنها ملی، ۱۰۰ عدد منطقه‌ای و ۹۵۱ عدد محلی هستند. تحلیل محتوای برنامه‌های رادیویی ترکیه نشان می‌دهد که این برنامه‌ها علاوه بر جنبه خبرپراکنی، متمرکز بر جنبه سرگرم کننده دیپلماسی رسانه‌ای، بخصوص موسیقی است. تلویزیون بیش از سایر رسانه‌ها برای ترکیه اهمیت دارد. در برنامه‌های تلویزیونی هم ترکیه بر فتح اذهان و قلوب مردم عراق، بیش از آن که بر بعد خبرپراکنی دیپلماسی رسانه‌ای تمرکز کند، بر جنبه سرگرم کننده آن توجه کرده و در این راستا، سریال‌هایی با مضامین عاشقانه و جوان‌پسند به نمایش گذاشته است. البته این به معنای بی‌تفاوتی ترکیه نسبت به بعد خبرپراکنی دیپلماسی نبوده است. همچنین بخش بزرگی از پوشش رسانه‌های خبری ترکیه در عراق، رنگ و بوی ضدکردی و ضدشیعی به خود گرفته است (رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۱). جدول شماره ۱ دیپلماسی رسانه‌ای دو کشور ایران و ترکیه را در عراق مورد مقایسه قرار داده است.

تفاوت‌ها		شباهت‌ها
ترکیه	ایران	
تمرکز بر برنامه‌های سرگرم کننده	تمرکز بر برنامه‌های خبری	تأسیس شبکه های رادیویی و تلویزیونی به زبان عربی و کردی
ارائه برنامه‌های فرقه گرا	ارائه محتوای وحدت آفرین	دوبله سریال‌های تولیدی به زبان عربی
سریال‌های مدرن و عاشقانه	سریال‌های تاریخی و مذهبی	تمرکز بر روی رسانه‌های دیداری (تلویزیون)
پخش از طریق شبکه‌های وابسته به کشورهای عربی	پخش از طریق شبکه‌های ایرانی یا تحت حمایت ایران	
با هدف تغییر سبک زندگی مردم	با هدف جهت دهی به نگاه سیاسی مردم	
خشتی بودن در مقابل امریکا و عربستان سعودی	ضدیت با امریکا و عربستان سعودی	

جدول شماره ۱: مقایسه دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در عراق

#### ۴-۲-۲. رویکردهای علمی و آموزشی

تشابه دیگر دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق استفاده از ابزارهای علمی و آموزشی برای نفوذ در بدنه جامعه عراقی است. به طور کلی این بعد دیپلماسی فرهنگی، شامل برنامه مبادله شهروندان جهت دوره‌های آموزشی، مطالعاتی، فرهنگی، علمی، هنری، ورزشی و آموزش زبان، ایجاد مدارس و تأسیسات آموزشی در کشور هدف، جذب دانشجویان و ایجاد بورسیه تحصیلی و غیره می‌شود (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۸۴). در بعد علمی و آموزشی، ایران با تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز علمی و مذهبی مختلف در داخل و خارج از کشور مانند جامعه‌المصطفی، دانشگاه بین‌المللی آل‌البیت و دانشگاه ادیان و مذاهب محصلین زیادی از سایر کشورها بویژه عراق را جذب کرده است. به عنوان نمونه عمده دانشجویان دانشگاه بین‌المللی جامعه‌المصطفی از کشورهای همسایه و شیعه نشین بویژه عراق هستند (رفیع و نیک‌روش، ۱۳۹۲: ۱۱۴). ولی ترکیه در این بخش نیز تحرک بیشتری نسبت به ایران داشته و اقدامات حمایتی بیشتری انجام داده است. مخصوصاً در ایجاد مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و دادن بورسیه تحصیلی به عراقی‌ها.

#### ۴-۲-۳. تلاش برای ترویج زبان رسمی دو کشور در عراق

یکی دیگر از موارد تشابه دیپلماسی فرهنگی هر دو کشور ایران و ترکیه توجه به گسترش زبان رسمی خود در کشور عراق است. در این مسیر هر دو کشور فعالیت‌ها و اقداماتی را انجام داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب به سرمایه‌گذاری بلند مدت برای مهار افکار و جذب علایق نخبگان جهان اسلام در راستای منافع خود پرداخته است. از جمله در زمینه‌های مبادله‌های علمی، دانشجویان بسیاری از کشورهای مختلف جهان اسلام برای تحصیل به ایران پذیرفته می‌شوند. در ابتدا به این دانشجویان در یک دوره ۶ ماهه تا یک ساله زبان فارسی آموزش داده می‌شود. تعداد زیادی از عراقی‌ها نیز بدین منظور به ایران می‌آیند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۵). همچنین نهادهایی مانند «جامعه‌المصطفی العالمیه» یک نهاد بین‌المللی که در کشورهای مختلف، بویژه عراق شعبه دارد و علاوه بر آموزش زبان و معارف اسلامی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی و زبان فارسی نیز دارد (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۶). همچنین موارد دیگری مانند حوزه‌های علمیه دو کشور نیز در ترویج زبان فارسی در عراق سهم دارند. ترکیه نیز در ادامه دیپلماسی فرهنگی خود نفوذ از طریق زبان و ادبیات

ترکی را نیز شکل داده است. این کشور سالانه تعداد زیادی دانشجوی را در کشور خود می‌پذیرد و با ارائه خدمات گوناگون، زبان ترکی را در میان دانشجویان رواج می‌دهد. مسئله‌ای که ترکیه نسبت به ایران در آن دست برتر را در عراق دارد، ایجاد مدارس و مؤسسات آموزش زبان ترکی است که تعداد زیادی دانش‌آموز و دانشجوی عراقی در آنها تحصیل می‌کنند، زیرا امکانات آن نسبت به مدارس عراقی بیشتر است. همچنین نفوذ سریال‌های ترکی در جامعه عراق به حدی است که بسیاری به فراگیری زبان و اصطلاحات ترکی گرایش پیدا کرده‌اند.

#### ۴-۲-۴. توجه و حساسیت مشترک به مسئله کردها

جنبش ملی کرد در سطح کلان خود عواملی پر قدرت را در بر می‌گیرد. یکی از این عوامل آن است که کردستان قسمتی از موجودیت دولت-ملت ایران، عراق، سوریه و ترکیه است. خلق و ایجاد هویت کردی خودمختار در هر یک از قسمت‌های کردستان تهدیدی بر وحدت سرزمینی هر یک از کشورهای همسایه است (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۷۱). از آنجایی که کشورهای ایران، ترکیه و سوریه دارای اقلیت‌های کرد هستند، مخالف تأسیس خودگردانی می‌باشند، زیرا نگران تأثیرگذاری آن بر اقلیت کرد کشور خود هستند. همچنین برای پیشگیری اندیشه جدایی‌طلبی به داخل منطقه کردنشین خود، همواره بر یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق تأکید نموده و از این حیث موضع مشترکی اتخاذ کرده و از آن حمایت می‌کنند (مهری‌پور، ۱۳۸۱: ۵۷). در مجموع تشابهات زیادی دیپلماسی فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه در عراق وجود دارد که ناشی از بهره‌گیری از ابزارهای مشابه است. ولی کم و کیف و چگونگی استفاده از این ابزارها متفاوت است که به آن اشاره شد.

#### نتیجه‌گیری

طی دهه‌های گذشته اهمیت یافتن و افزایش بیش از پیش قدرت نرم در برابر قدرت سخت، سیاست اندیشه در برابر سیاست قدرت و نقش گروه‌های غیر دولتی در مناسبات بین کشورها، باعث شده است که کشورها به سمت دیپلماسی عمومی و فرهنگی در سیاست خارجی خود گرایش پیدا کنند. این امر از راه ایجاد جذابیت یا همان قدرت نرم ممکن می‌شود. ایران و ترکیه نیز از جمله کشورهایی هستند که نیاز فراوانی به ارائه دیپلماسی فرهنگی در منطقه خاورمیانه برای نفوذ در کشورهای منطقه داشته‌اند. عراق یکی از این کشورهاست که موجب رقابت ایران و ترکیه برای اعمال

نفوذ در این کشور شده است. در این مسیر دو کشور از ابزارهای مختلف رسانه‌ای، علمی-آموزشی، مذهبی و غیره استفاده می‌کنند. به عنوان یافته‌های بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق باید گفت دو کشور به لحاظ الگوی اجرایی که ناظر بر ابزار هست از شباهت بیشتری نسبت به یکدیگر برخوردارند تا الگوی ساختاری. مسئله ساختار سیاسی سکولار ترکیه به همراه غیرایدئولوژیک بودن سیاست خارجی این کشور و همچنین تعلقات نژادی، زبانی و قومیتی بخش هایی از عراق با ترکیه از عوامل نفوذ و موفقیت این کشور در اجرای دیپلماسی فرهنگی می‌باشد. در این بین موقعیت بهتر اقتصادی ترکیه نسبت به ایران، مکمل خوبی برای دیپلماسی قوی‌تر فرهنگی این کشور بوده است. تأسیس دانشگاه‌های متعدد، اعطای بورس‌های تحصیلی رایگان، تأسیس مدارس دینی، و حتی راه اندازی فروشگاه‌های مصرفی که ترویج فرهنگ کالایی ترکیه می‌باشد حاکی از همراهی عوامل اقتصادی ترکیه در کنار متغیرهای فرهنگی است. اما ایران به لحاظ علایق مشترک فرهنگی، تاریخی و دینی با عراق جایگاه ویژه‌ای در این کشور دارد، ولی، مدیریت ضعیف و توجه اندک ایران به مسئله دیپلماسی فرهنگی، به همراه متولیان زیاد در این زمینه، باعث پراکندگی منابع و ضعف مدیریت شده است، بخصوص اینکه ایران اکثر انرژی و توجه خود را به مسئله شیعی‌گرایی و تقویت محور مقاومت قرار داده که باعث عدم تعامل صحیح با همه افراد و گروه‌ها و نهادهای جامعه عراق شده است و در مواردی حساسیت‌هایی را نیز علیه ایران برانگیخته است. در مقابل ترکیه قرار دارد که برای اعمال نفوذ در عراق با وجود اینکه نسبت به ایران دارای ظرفیت و ابزار فرهنگی کمتری است، با عملگرایی، فرصت‌طلبی و منفعت‌گرایی توانسته است موفق‌تر از ایران عمل کند. مقایسه تعدادی از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی دو کشور نشان می‌دهد که در مواردی مانند پذیرش دانشجویان دیپلماسی علمی و دانشگاهی، همچنین حوزه گردشگری و توریسم و مسائلی مانند نفوذ فیلم‌ها و سریال‌های ترکی در جامعه عراقی ترکیه از ایران بهتر عمل کرده است. به طور دقیقتر اگر در مورد دیپلماسی رسانه‌ای صحبت کنیم، کمیت و کیفیت محتوای رسانه‌هایی مانند روزنامه، رادیو و شبکه‌های تلویزیونی ایرانی نسبت به رسانه‌های مشابه ترکیه در سطح پایبندی است، کما اینکه دولتی بودن رسانه‌های ایران نسبت به ترکیه که اکثر رسانه‌های آن غیر دولتی است، نقطه ضعف آن محسوب می‌شود، زیرا خواسته‌های مخاطبان بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد. در بخش رویکردهای علمی و آموزشی نیز تحرک ترکیه نسبت به ایران در مواردی مانند ایجاد مدارس و تأسیسات آموزشی و بورسیه دانشجویان عراقی بیشتر بوده و اقدامات حمایتی بیشتری را انجام داده‌اند. در زمینه تلاش برای



ترویج زبان رسمی نیز ترکیه مدارس و مؤسسات آموزشی بیشتر در عراق تأسیس کرده و بنابراین دانش‌آموزان و دانشجویان عراقی بیشتری به آموزش زبان ترکی مشغول شده‌اند. به طور کلی با وجود اینکه ترکیه در عراق مجال زیادی برای فعالیت فرهنگی ندارد، ولی دیپلماسی فرهنگی برنامه‌ریزی شده و منسجم و فعالی را در پیش گرفته است. در مجموع می‌توان گفت ایران ممکن است در اهداف به عراق بسیار نزدیک‌تر باشد، ولی ابزارهایی که ترکیه در عراق به کار می‌گیرد تا حدودی قوی‌تر است. در نهایت برای بهره‌بردای بیشتر و مؤثرتر از دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود.

- تبیین مبانی و مفاهیمی مشترک و قابل درک در مورد سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها،
- ایجاد اتاق فکر دیپلماسی عمومی ایران در بالاترین سطح،
- کاهش تعداد دستگاه‌های مسئول دیپلماسی فرهنگی و ایجاد هماهنگی بین آنها،
- آموزش نیروی انسانی متخصص، آشنا به علوم مدیریت، ارتباطات و روابط بین‌الملل در زمینه دیپلماسی فرهنگی،
- اتخاذ رویکرد تخصیص منابع بر اساس ارزیابی عملکرد،
- استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور برای تقویت تبادلات مردم با مردم،
- جذب دانشجویان خارجی از کشورهای هدف جهت تحصیل در ایران و اختصاص بورس برای رشته‌های زبان فارسی و ایران‌شناسی،
- برنامه‌ریزی جهت توسعه تبادل گردشگر بین ایران و کشورهای هدف،
- جدیت در اجرایی کردن تفاهم‌های بین‌کشوری.

## کتابنامه

- احمدی، ع. (۱۳۹۰). ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلتیک شیعه، تهران، اندیشه سازان نور.
- احمدی، ع، موسوی، ا. (۱۳۸۹). جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- اطهری، اسدالله، عنایتی شبکلائی، علی و محمد امین حسینی (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در عراق و سوریه»، اسلام و علوم اجتماعی. ۱۶ (۱۱)، صص ۱۶۷-۱۴۹.
- امیدی، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰) «عثمان‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه، شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه». روابط خارجی، ۳ (۳)، صص ۲۶۷-۲۳۱.
- امینی، آرمین و سهراب علمداری (۱۳۹۱) «جهانی‌شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی»، راهبرد. ۲۱ (۶۵)، صص ۴۱۳-۳۹۳.
- بصیری محمدعلی و فهیمه خوانساری‌فرد (۱۳۹۵) «تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۲ (۳۵)، صص ۱۰۴-۷۹.
- بوژمهرانی، حسن، پوراسلامی، مهدی (۱۳۹۳) «تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. ۲ (۴)، صص ۱۱۰-۸۷.
- بی بی سی فارسی (۶ ژوئن ۲۰۲۰)، حضور چشمگیر ترکیه در بازار جهانی فیلم و سریال، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/arts>
- بیگی، م. (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- پارساپور، ر. (۱۳۸۸). بغداد نامه (بررسی ریشه‌های ایرانی کشور عراق، بر پایه مستندات تاریخی)، تهران، مرکز مطالعات خلیج فارس.
- پارساپور، روزبه (۱۳۸۹) «نقش ایران و عراق در تأمین امنیت خلیج فارس»، ماهنامه خلیج فارس و امنیت. ۱۰ (۱۰۴)، صص ۲۲-۱.
- جعفری، علی‌اکبر، نیک‌روش، ملیحه (۱۳۹۴) «منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین»، فصلنامه قدرت نرم. ۵ (۱۲)، صص ۵۰-۲۹.

جوادی ارجمند، محمد جعفر، امیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر روابط فرهنگی بر روابط سیاسی ایران و عراق با تأکید بر انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی. ۲ (۶)، صص ۱۶۸-۱۴۷.

جوادی ارجمند، محمد جعفر، نادری، محمد، داودی، مهدی (۱۳۹۱) «دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق و چشم‌انداز آینده در روابط دو کشور»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ۴ (۳)، صص ۱۸۶-۱۷۳.

حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴) «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دانش سیاسی. ۲، صص ۱۴۸-۱۳۶.

حیدری، محمدعلی، رهنورد، حمید (۱۳۹۰) «نوع‌ثمن‌گرایی و سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه (با تأکید بر تحولات بهار عربی)»، رهنامه سیاست‌گذاری. ۲ (۲)، صص ۹۸-۷۲.

خبرگزاری آنا تولی (۱۷ جولای ۲۰۱۸)، آغاز فعالیت‌های آموزشی بنیاد معارف ترکیه در عراق، قابل دسترس در: <https://www.aa.com.tr/fa>

خرازی محموندی، زهرا (۱۳۸۸) «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، مجله مدیریت فرهنگی. ۳ (۶)، صص ۱۲۲-۱۰۷.

درخشه، جلال، غفاری، مصطفی (۱۳۹۰) «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگی ارتباطات. ۱۲ (۱۶)، صص ۴۸-۱۰.

دکمیجان، ه. (۱۳۷۷). اسلام در انقلاب جنبش‌های در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارت کیهان.

رحمانی، منصور، شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۸) «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در عراق پس‌اصدام»، راهبردهای سیاسی و بین‌المللی. ۱۰ (۳)، صص ۹۳-۷۴.

رفیع، حسین. نیک‌روش، ملیحه (۱۳۹۲) «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل. ۶ (۲۲)، صص ۱۳۲-۹۹.

زرقانی، سیدهادی، احمدی، ابراهیم، حکیمی خرم، علی (۱۳۹۹)، «اهمیت نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۱۰ (۲)، صص ۵۶-۳۱.

زیبا کلام، صادق، عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰) «ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل»، فصلنامه سیاست. ۴۱ (۴)، صص ۷۵-۵۹.

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۲۵ اسفند ۱۳۹۸)، نگاهی به دیپلماسی فرهنگی ترکیه در عراق، قابل دسترس در: <http://fr.paris.icro.ir>

سجادپور، محمدکاظم، وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۹۰) «دیپلماسی عمومی نوین؛ چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، فصلنامه سیاست. ۴۱ (۴)، صص ۹۵-۷۷.

سنائی، اردشیر، عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۸۸) «رویارویی ایران و آمریکا: رقابت در عرصه قدرت نرم و سخت»، مطالعات روابط بین‌الملل. ۲ (۸)، صص ۱۸۷-۱۵۸.

صادقی، شمس‌الدین، مارابی، مهری، اکسا، نرگس (۱۳۹۵) «ایران-عراق: چشم‌اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دو جانبه»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۱ (۲۲)، صص ۱۶۲-۱۲۹.

ضرغامی، برزین، شوشتری، سیدمحمدجواد، انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۳) «ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۴۶ (۱)، صص ۲۱۴-۱۹۷.

عراقی، غلامرضا (۱۳۹۴) «نقش دیپلماسی فرهنگی در صدور انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی. ۴ (۱۴)، صص ۱۷۹-۱۵۷.

عظیم‌زاده اردبیلی، محمد منصور، مسعودنیا، حسین، امام‌جمعه‌زاده، جواد (۱۳۹۶) «سازمانگاران سیاست خارجی نوین ترکیه و رقابت با جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات روابط

بین‌الملل. ۱۰ (۳۸)، صص ۱۲۸-۹۵.

غیائی، هادی، برزویی، محمدرضا، نصیری، امید (۱۳۹۹)، «دیپلماسی فرهنگی آیین پیاده‌روی زیارت اربعین؛ ابعاد و راهبردها»، سیاست و روابط بین‌الملل، دوره چهارم، شماره ۷، صص ۲۴۷-۲۲۱.

فیلد، ه. (۱۳۴۳). مردم‌شناسی ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران، کتابفروشی ابن سینا.

قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵) «استراتژی ترکیه در قبال داعش»، مطالعات راهبردی. سال نوزدهم، ۱۹ (۳)، صص ۱۱۴-۹۳.

کمالی سرپلی، عبدالقادر (۱۳۸۸) «سیر تاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه»، سخن تاریخ. ۷، صص ۷۴-۵۸.

مار، ف. (۱۳۸۰). تاریخ نوین عراق، ترجمه محمد عباسپور، مشهد، بنیان پژوهش‌های اسلامی.

محمدپور، سعید (۱۳۸۳) «تأثیر عملیات‌های نامنظم قرارگاه رمضان در جنگ تحمیلی»، سیاست دفاعی. ۱۲ (۴۷)، صص ۷۵-۱۰۰.

ملکی، محمد رضا. رازقندی، انسیه (۱۳۹۰) «دیپلماسی عمومی و دولت احمدی‌نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه»، فصلنامه علوم سیاسی. ۱۶، صص ۱۰۷-۱۳۲.

متی، ایوب، هادیان، ناصر (۱۳۹۸) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید (۲۰۱۸-۲۰۰۳)»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. ۷ (۱۵)، صص ۱۶۴-۱۳۹.

مهری‌پور، ذبیح‌الله (۱۳۸۱) «کردستان عراق و سیاست‌های جمهوری اسلامی»، نشریه رافته. ۳، صص ۴۲-۶۶.

نیکفر، جاسب، زمانی، ساسان، شفیع‌سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۷) «تأثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر ناکامی استقلال کردستان عراق»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۸ (۴)، صص ۱۰۹-۷۷.

یورونیوز (۲۹ می ۲۰۱۲)، بازتاب سریال‌ها و فیلم‌های ترک در خاورمیانه، قابل دسترس در:

<https://per.euronews.com>

Abedin, Mahan (2002), "Iranian Views on Regime Change in Iraq", Jointly Published by United State Committee for a Free Lebanon and The Middle East Forum, Vol. 4, No. 11.

Ari, Tayyar (February 2019), Soft Power of Turkey and the Perception in the Middle East Until Arab Spring, In Book: Turkish Foreign Policy for Regional Co-Existence: From Soft Power to Smart Power.

Cetinsaya, Gokhan (2017), "Turkish-Iranian Relations Since the Renvalution`s, Turkish Review of Middle East Studies, Vol. 26, No. 1.

Coles, Isabel and Lucey, Catherine (Jan. 6, 2020), "Trump Pushes Iraq, Threatens Sanctions After Vote to Expel U.S. Troops", The Wall Street Journal, Available At: <https://www.wsj.com/articles/iraqi-parliament-votes-in-favor-of->

Duman, Bilgay (2015), "A New Controversial Actor in Post-ISIS Iraq: al-Hashd al-shaabi", ORSAM Report, No: 198.

Eisenstadt, Michael (2015), "Iran and Iraq", The Washington Institute for Near East Policy, Available At: <http://www.washingtoninstitute.org>.

Eisenstadt, Michael and Knights, Michael and Ali, Ahmed (2011), "Iran's Influence in Iraq: Countering Tehran's Whole-of-Government Approach", Washington Institute for Near East Policy, Policy Focus 111, Pp: 3-4.

- Jawhar, Raber Tal'at (2010), The Iraqi Turkmen Front, in Catusse, Myriam; Karam, Karam (eds.), The Lebanese Center for Policy Studies.
- Torfeh, Masoume (2016), "The Role of Iran's Media in Its Soft Power Policy", Aljazeera Center for Studies, Available At: <https://Studies.Aljazeera.Net>.
- Tremblay, Pinar (2014), "Turkish Shiites Fear Growing Hate Crimes", Al Monitor, Available At: <http://www.al-monitor.com/pluse/originall>.
- Triana, María (2017), "Managing Diversity in Organizations: A Global Perspective", Available At: <https://Www.Amazon.Com>.